



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۱/۰۱/۰۸

رفعت حسینی

نگاشته نگارگر تکراری می باشد

در شماره دیروز پورتال افغان جرمن آنلاين، هفتم جنوری ۲۰۲۱، مقاله بی دیدم از اسحاق نگارگر خواندمش و خیلی پشیمان گشتم.

تمامی مندرجات آن نگاشته نگارگر، تکراری، و بایسته است بگویم، تکرار مکررات بود.

یک نکته گپ تازه و «» نقل ناشده از دیگران، بویژه نشرات دهه چهل ایران»»»»» در آن نبشته پیدا نبود.

باز هم قصه از شیر و جنگل و روباه از جلال الدین رومی را، برای هزارمین بار و شاید ده هزار بار، اسحاق نگارگر بخورد خواننده مسکین بینوا داده است.

باز هم نگارگر می نویسد:

ازین حکایت مولوی (((بزرگ!!!!!!))) باید سیاستمداران، و مخصوصاً سیاستمداران در افغانستان، پند و برداشت نیک بگیرند و در دل مردم راه باز کنند.

بدون راه باز کردن دردل مردم، راه دگر ی اصلاً در اندیشه نمی گنجند.

...

این نگارگری که من می شناسم و حالا برخی بی خبران وی را استاد!!!!!! نگارگر نیز می نویسند، در دهه چهل خورشیدی، محمد اسحاق مضطرب باختری نام داشت.

و شعله بی «»»»» معلوم الحال «»»»» بود.

دو سه سال معلم بود در فاکولته ادبیات پوهنتون کابل.

سپس از شغل معلمی در پوهنتون او را جواب دادند.

در سالیان بعد راهش را کج کرد و مسلمان بنیاد گرا گشت.

و، همانند حیدری و جودی پنجشیری، شروع کرد به چلانیدن موتر(((داغمه شده))) کلیات جلال الدین رومی و کهنه

پیخ های دیگر مانند حافظ(((پیرمغان!!!!!!))) و سعدی(((شیخ اجل!!!!!!;!!!!!!))).

و اینک در اوقات مختلف، سراغ شعر های خرافی شاعران فرسوده ((چندین سده پیش پارسی)) می رود و اشعار

خرافی کهنه آنان، مثل زهر کشنده، در واژه های نبشته هایش پخش میکند.

نگارگر نمی اندیشد که این شاعران مردم گرا نبودند.

وقت آنان دیگر نیست.

بایست ازین شاعران دیگر بت و پیغمبر و خدا نساخت.

ای شاعران بی فرهنگ نمی فهمیدند که هنر چیست و هنر اجتماعی چی معنایی دارد؟

این شاعران برای دادگری و مبارزه با ستم پیشگان، هیچ و هیچ و هیچ شعری و حتی بیبی و فردی ندارند.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

چندی پیش که من از زن ستیزی های جلال الدین رومی در چندین نگاهشته ام ، «[«مستند»»»» و با نمونه شعر های جلال الدین، متذکر شده بودم، در یادداشتی، اسحاق نگارگر، طی دفاع از زن ستیزی جلال الدین، به من نوشت:](#)

«هدف مولانا درین اشعار، از زن، نفس اماره است .

و ذکر نمودن زن ها بر حسب وزن و مضمون شعر های مولوی می باشد» .

استاذ!!!! نگارگر ، در هنگام نبشتن این نکته برین خیال بود که ابلهان همیشه چنین واهیات و خزعبلات را می پذیرند و باور می کنند.

واین گپ «نفس اماره» هم تازه و از خود مضطرب باختری (اسحاق نگارگر) نیست.

تکرار مکرر و مکرر و مکرر است.

در دهه چهل، نویسندگان جارچی فرهنگ ایرانی، این نفس اماره را برای زن ستیزی های جلال الدین و سعدی و سنایی و عطار و حافظ تهداب گذاری نموده بودند.

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکني د ليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په څير و لولئ